

مبارزات کارگران جهان علیه خصوصی سازی و مصاحبه ای با رامون پچه کو

دبیر روابط بین المللی سندیکای برقکاران مکزیک^(۱)

۲۸ اکتبر ۲۰۰۲، شهر مکزیک - مکزیک

پیشگفتار:

برای روشن شدن تجربه مبارزات ضد خصوصی سازی که کارگران مکزیک هم اکنون با آن درگیر اند، قبل از آوردن این مصاحبه، به تجربه ای از فعالیت های سندیکایی و انجمن های مردمی در فرانسه اشاره می کنیم.

بنیاد کوپرنیک (Copernic) که در زمینه مسائل اجتماعی تحقیق می کند طی اعلامیه و فراخوانی در اکتبر

۲۰۰۲ چنین می نویسد:

ما از توسعه بخش عمومی [در فارسی معادل بخش دولتی، مؤسسات ملی شده] دفاع می کنیم و خصوصی کردن را نمی پذیریم. بخش عمومی به همگان از زن و مرد اجازه می دهد که به نحوی برابر از امکانات اساسی رفاه اجتماعی بهره مند شوند. حال آنکه از حدود ده سال پیش، حکومت های گوناگون اروپایی از جمله حکومت فرانسه، سیاست خصوصی کردن را پیشه کرده، بخش عمومی را به ویرانی می کشانند.

این رویکرد در همه جا به شکست هایی منجر شده که تجسم آن کاهش کیفیت خدمات ارائه شده و [سرانجام] افزایش هزینه ای است که بر دوش انبوه توده سنگینی می کند. این رویکرد همچنین به طرد و به حاشیه راندن بخشی از جمعیت، کاهش و بی ثباتی مشاغل، بحران حاد اقتصادی و اجتماعی در مؤسسات خصوصی شده منجر گردیده که نمونه آن را در وضعیت شرکت فرانس تلکوم می توان دید.

به نظر ما بخش عمومی ایزاری ست در دست دولت برای مقابله با داوهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زیست محیطی که کشور ما با آن روبرو ست. ما حتی معتقدیم که بخش عمومی فرصتی مناسب برای ایجاد اروپای واحد است.

به این دلیل است که ما با هر طرح و پروژه جدیدی که خواستار خصوصی کردن مؤسسات عمومی [دولتی] و ویران کردن بخش دولتی باشد مخالفیم.

از همینجا ست که ما با خصوصی کردن شرکت برق و گاز فرانسه EDF-GDF مخالفیم حتی اگر مزورانه آن را «گشایش سرمایه شرکت» بنامند ما خواستار آنیم که در باره سرنوشت این مؤسسات، بحث دموکراتیک واقعی صورت گیرد به منظور آنکه همه شهروندان در تصمیم گیری راجع به آن ها سهیم باشند.

در باره سرنوشت بخش عمومی، جامعه است که باید نظر بدهد:

جمعیت موسوم به «بخش عمومی رو در روی بازار» (www.pourleservicepublic.net) تصمیم گرفته است برای مقابله با سیاست خصوصی کردن بخش عمومی، از جمله شرکت برق و گاز فرانسه طوماری تهیه و منتشر کند. ده ها حزب و انجمن و جمعیت و سندیکا در تأیید و حمایت از این طرح با یکدیگر همداستان شده اند تا این طرح را به پیش برند، از جنبش های شهروندان گرفته تا سازمان های سندیکایی و سازمان های مصرف کنندگان. این جمعیت می کوشد از طریق همکاری با همه کسانی که علاقه مند به توسعه خدمات عمومی هستند در زمینه محلی هر چه

بیشتر ریشه بدواند.

همان طور که در نخستین اعلامیه این جمعیت آمده «بحران و سقوط عملیات برق رسانی در کالیفرنیا (آمریکا) نشان داده است که افزایش نرخ ها و کمک های لازم دولتی برای جبران اهمال کاری های لیبرالی، همچنین ورشکستگی شرکت انرون (Enron) و وضع خطوط راه آهن انگلیس، بن بست هایی را که در پی لیبرالیزه کردن و خصوصی کردن بخش عمومی پدید آمد بر ملا می کند. در همین فرانسه نیز دشواری های کنونی فرانس تلکوم و افتضاح مربوط به هزینه های گزافی که بر تلفن های همراه تحمیل شده شاهد دیگری بر این مدعا ست. هر جا نگاه کنیم این سیاست پیامدهای مشابهی داشته است: طرد و به حاشیه راندن کسانی که سیستم قادر به جذب آن ها نیست، بدتر شدن کیفیت خدمات، رنج کارکنان، بی ثباتی و تقلیل مشاغل. منطق سود بر همه جا غالب است و همبستگی و دموکراسی رو به عقب نشینی دارد. زیرا گشایش سرمایه به عنوان مرحله جدید «متعارف و عادی کردن» مؤسسات و نهادها فراتر از یک گزینش صرفاً اقتصادی ست. هدف از این رویکرد در واقع این است که هرگونه منطق مبتنی بر همبستگی و قسمت کردن را (که بخش عمومی بر آن استوار است) و نیز امکان طرح هر بدیلی را برای لیبرالیسم از اعتبار بپندازد».

آگاهی از وضعیت موجود مبین آن است که شهروندان ما در نظرخواهی های پیاپی به وفور، به نفع بخش عمومی نظر می دهند. با وجود این، حکومت سیاست خصوصی کردن و تخریب بخش عمومی را با سماجت و شدت تمام از ۱۵ سال پیش ادامه می دهد.

در مقابله با این رویکرد، کارکنان بخش عمومی بسیج می شوند و به تظاهرات می پردازند: سوم اکتبر کارکنان برق و گاز، ۱۷ اکتبر کارکنان آموزش و پرورش، ۵ نوامبر کارکنان خطوط هوایی Air France، ۲۶ نوامبر کارکنان راه آهن، پست و تلکوم. در هریک از این مناسبت ها، کارگران بخش های دیگر نیز به آن ها می پیوندند و همبستگی خود را ابراز می دارند تا نشان دهند که آینده بخش عمومی صرفاً مربوط به کسانی نیست که در این بخش کار می کنند.

اما اکنون باید از این فراتر رفت. جامعه باید بتواند در باره سیاست های خصوصی سازی و تخریب بخش عمومی اظهار نظر کند. هدف ما از طرح این متن طومار این است که هرچه گسترده تر و انبوه تر به امضای شهروندان علاقه مند درآید. هدف ما همچنین این است که در افکار عمومی جنبشی نیرومند و مؤثر به وجود آوریم که حکومت را وادار کند از تصمیماتی که بدون بحث دموکراتیک و بدون مشورت با مردم اتخاذ کرده برگردد. کوتاه سخن اینکه هدف ما از طرح این طومار، گشودن راه برای ابراز نظر شهروندان در باره این موضوع یعنی سرنوشت بخش عمومی ست که زندگی روزانه شان مستقیماً بدانان مربوط است.

اما سندیکاهای مکزیک ...

باری، سندیکاهای مکزیک، در گروه بندی های مختلفی سازماندهی شده اند.

یکی از مهمترین و رادیکالترین سندیکاهای مکزیک، «سندیکای مکزیکای برقکاران» است. امروزه این سندیکا حدود ۵۴۴۰۰ نفر عضو دارد که ۱۶۴۰۰ نفر آن را بازنشستگان تشکیل می دهند. از کارگران فعال حدود ۳۵۰۰۰ نفر مرد هستند و ۳۰۰۰ زن. یعنی حدود ۹۲٪ از نیروی فعال سندیکا را مردان تشکیل می دهند. این سندیکا در تاریخ مبارزاتی خود، موفق شده است حق امضای قرارداد دسته جمعی کار را به دست آورد. طبق این قراردادها، کارگران برق مشمول صندوق بیمه درمانی، بیمه بیکاری و بازنشستگی و حق اعتصاب می شوند. سندیکا برای حفظ توان مبارزاتی خود، صندوق حمایت از کارگران اعتصابی را به وجود آورده، تا در مواقع لزوم پشتوانه ای برای توان اعتصابی اش باشد. این سندیکا در عین حال روابط گسترده ای با سندیکاهای دیگر کشورها، بخصوص سندیکاهای آمریکای لاتین

دارد. با این حال در مبارزات جاری علیه خصوصی سازی صنعت برق، این سندیکا رابطه خود را با همتاهایش در آمریکای شمالی گسترش داده است. سندیکای مکزیک برقراران عضو «اتحادیه بین المللی کارگران صنایع انرژی، فلز، شیمی، نفت و پالایش» است و به عنوان عضو این اتحادیه ناشر نشریه سه زبانه (انگلیسی، فرانسه و اسپانیایی) بولتین Bolet n است.

خصوصی سازی یکی از سیاست هائی است که اخیراً در کشورهای مختلف با سرعتی وصف نشدنی به پیش برده می شود. هدف از خصوصی سازی، باز پس گرفتن هرچه بیشتر دستاوردهای مبارزات کارگران است. با نگاهی به صنایع خصوصی شده، می بینیم که معمولاً به عنوان اولین گام، اخراج درصدی از کارگران و از این طریق تحت فشار قرار دادن بقیه کارگران مد نظر است. ادعا می شود از آن جا که فلان شرکت به اندازه کافی سود آور نیست، باید آنرا به بخش خصوصی واگذار کرد. سؤال اینست که اگر این شرکت ها سودآور نیستند، چرا سرمایه داران حاضر به خرید آن ها هستند؟ بنا بر این، این دلیل خصوصی سازی نیست. دلیل اصلی را تنها می توان در آزاد گذاردن دست سرمایه داران در استثمار هرچه بیشتر کارگران جست. این قضیه در هیچ کجای جهان بعدی ملی ندارد. با دخالت ارگان هائی مانند سازمان تجارت جهانی، شرایطی بوجود آمده که سرمایه داران در جستجوی سودآوری بیشتر، بدون هیچ مشکلی سرمایه های خود از از کشوری به کشور دیگر، منتقل می کنند. این موضوعی تازه نیست، نگاهی به آرژانتین، السالوادور، برزیل و ... در قاره آمریکا (در قاره آسیا نیز با همین پدیده و ابعاد مواجه ایم) نشان می دهد که تا چه حد دستاوردهای کارگران را از آنها باز پس گرفته اند. در ایالت تلاکسکالا، در مکزیک، در مکیلاها (مانوفکتورهای که در مناطق آزاد تجاری فعالند) کودکان هشت ساله را به کار می گیرند. دوستی از ایالت «کالیفرنیا پائین» (در مکزیک) گزارش می دهد که در مزارع تولید گوجه فرنگی های کبابی، اگر خانواده ای کودکش را برای کار در اختیار صاحب مزرعه قرار ندهد. از کار بیکار خواهد شد. در کشورهای دیگر نیز وضع بهتر از این نیست. باید توجه داشت که اگر قرار باشد طبقه کارگر سازماندهی شود، وجود کارگران با تجربه اولین نیاز آن است. حال آنکه در شرایطی که بر اثر خصوصی سازی ها، هرچه بیشتر بر فضای کاری حاکم می شود، با کارگرانی سر و کار خواهیم داشت که هیچ گونه تجربه مبارزاتی ای که ندارند، هیچ، تازه به لحاظ رشد اجتماعی هم نمی توانند از خود دفاع کنند (کافی ست از خود پرسیم که آیا کودکان هشت - نه ساله، جدای از آن که حق کودک بودنشان را از ایشان می ربایند، آیا واقعاً توان بوجود آوردن تشکلی برای مقابله با یک شرکت بزرگ و «نیروهای امنیتی» آن را دارد؟). از طرف دیگر همان طور که گفتیم، صنایع و شرکت های خصوصی شده، در درجه اول بخشی از کارگران را به بهانه تغییر مالکیت از کار اخراج می کنند. این موضوع را در صنایع خصوصی شده پس از الحاق آلمان شرقی به غربی نیز شاهد بوده ایم.

در مبارزه علیه وحدت دو شرکت بزرگ نیز با شرایط مشابهی روبروئیم. برای کارگران، این «بازسازماندهی» ها همیشه به مفهوم از دست دادن محل کارشان بوده و حاصل عملی بیکارسازی، فشار به نیروی کار برای پائین آوردن بهای آن و در نتیجه کم شدن مخارج تولید برای سرمایه داران است. بنا بر این مبارزه علیه خصوصی سازی، در عین حال که مبارزه ای برای حفظ دستاوردهای نبرد های گذشته است، مبارزه ای برای حفظ محل کار نیز هست.

طبعاً چنین مبارزه ای یک «مبارزه دفاعی» است. اما به هیچ عنوان نمی توان آنرا به معنی «دفاع از سرمایه داری دولتی» فهمید. این گونه بیکارهای عملی، همان فضائی را تشکیل می دهند که در آن طبقه کارگر در حین دفاع از منافع روزمره خود، خویش را برای «نبرد نهائی» آبدیده می کند.

باری، از آن جا که خصوصی سازی صنایع وابسته به دولت و اجرای توصیه ها (بهتر است بگوییم فرامین) بانک

جهانی و صندوق بین المللی پول منحصر به مکزیک نیست (در سال های اخیر دولت ایران در پی پیشنهاد های صندوق بین المللی پول و بانک جهانی، در سطح گسترده ای به خصوصی سازی صنایع وابسته به دولت دست زده، و می زند، به عنوان نمونه خصوصی کردن صنایع فلز و نساجی به شهر و ...) و از آن جا که مهمترین محور مبارزاتی سندیکای مکزیکی برقکاران در حال حاضر، نبرد علیه خصوصی سازی ست، به منظور درس آموزی و استفاده از تجربیات این کارگران، مناسب دیدیم صحبتی داشته باشیم با یکی از فعالین این سندیکا. رامون پچه گو، که دبیر روابط بین المللی و یکی از چهره های سرشناس این سندیکاست.

مصاحبه با رامون پچه گو



سؤال: می دانیم که سندیکای کارگران برق، یکی از پرسابقه ترین سندیکاهای مکزیک است. اگر ممکن است تاریخچه ای از این سندیکا را برایمان باز گو کنید؟

رامون پچه گو: سندیکای ما در سال ۱۹۱۴ بوجود آمد. تاریخ آن از نسلی به نسل دیگر انتقال یافته است. و تقریباً همیشه این سندیکا در پروسه تاریخی اش تشکل های دیگری را به وجود آورده که بعداً این تشکلات محدود یا جدا شده اند و سندیکا باز هم تنها مانده است. از آن جمله اند CTM (کنفدراسیون کارگران مکزیک) که هنوز هم وجود دارد و کنفدراسیونی است از نوع دولتی آن، سندیکای ما در ایجاد آن نقش داشت ولی بعد، وقتی دید که به اهداف سندیکا پاسخ نمی دهد، از آن جدا شد. این وضع بعدها در مورد «کنگره کار» نیز تکرار شد به طوری که در سال ۱۹۹۹

حاضر نشد به ما در مبارزه علیه خصوصی سازی کمک کند. همین قضیه در سال های ۷۰ نیز که سندیکاهای برق کوشش می کردند یک ائتلاف بوجود آورند پیش آمده بود. تازه ترین نمونه از این برخورد در فدراسیون ما، برخوردی ست که در فدراسیون سندیکاهای خدمات دولتی پیش آمد. در حالی که سندیکا بسیار درگیر مبارزه علیه خصوصی سازی است، رفقای ما در فدراسیون مشکلات دیگری دارند.

به همین دلیل سندیکا به جستجوی نیرو و متحدین خودش در میان سندیکاهای غیروابسته پرداخت.

طی تاریخ سندیکا، از سال ۱۹۱۴ تا به امروز، چهار لحظه تاریخی وجود دارد که من آنها را به عنوان سنتز برایتان شرح می دهم.

سال ۱۹۱۶، مطمئناً درخشان ترین لحظه تاریخی سندیکای ما و کل جنبش سندیکائی مکزیک است. این سندیکا که تازه دو سال از تأسیس اش می گذشت، یک اعتصاب عمومی را سازمان داده رهبری کرد. خواست این اعتصاب به رسمیت شناختن حقوقی در شأن انسانی برای کارگران بود. در آن دوران به این بهانه که در حال انقلاب هستیم، تنها به خارجیان پول نقد پرداخت می شد و به مکزیکی ها تنها بئن می دادند. اعتصاب سندیکا به پیروزی می رسد ولی دبیر اول آن دستگیر و به مرگ محکوم می گردد و به همین دلیل در درون سندیکا در مورد آینده، اهداف و علت وجودی آن

بحث در می گیرد. سندیکا بسیج خود را به مدت ۱۸ ماه حفظ می کند، تا موفق به کسب آزادی دبیر اول خود شود. در سال ۱۹۳۶، اعتصاب در شرکت برق به منظور تأمین حق قرارداد دسته جمعی برای کارگران آغاز می شود. این عملی بسیار مهم در کشور بود، زیرا سندیکاهای دیگر نیز به تبع آن شروع به مبارزه برای بدست آوردن راه هائی می کنند تا دستاوردها و حقوق خود را تثبیت کنند.

بعد ها در سال ۱۹۸۷ در دورانی که ارزش پول و قدرت خرید در مدت کوتاهی پائین می آمد، سندیکا وارد اعتصاب جدیدی می شود که به لحاظ تکنیکی، اعتصاب کاملی نبود. مخالفان و عیب جویان جنبش، آن را با تمسخر «اعتصاب نورانی» نامیدند. اعتصاب ممنوع اعلام شد و جنبش شکست خورد. اعتصاب تنها به این درد خورد که تاریخ درخشان سندیکا را به ما یادآوری کند. بسیاری از ما که در سال ۱۹۸۷ در این اعتصاب به عنوان کارگر شرکت داشتیم، امروزه رهبران این سندیکائیم و تاریخ و سنت جنبش را می فهمیم و پرچم مبارزه سندیکایمان را در دست داریم.

چهارمین مرحله مبارزاتی در سازمان ما، مبارزه علیه خصوصی سازی ست. مبارزه ای که در سال ۱۹۹۹ آغاز شده است و هنوز ادامه دارد.

در سطح ملی، سندیکای ما با حفظ استقلال خود با تمام سندیکاهای دیگر با هر سندیکائی که بتواند یک خواست مشخص را فرموله کند وارد ائتلاف می شود. برای مثال فردا در یک راه پیمائی شرکت خواهیم کرد که سندیکای دانشگاه Stunam آنرا سازمان داده است. این سندیکا عضو یک کمیتهء هماهنگی است که ما هم در آن هستیم. آنها عضو «اتحادیهء ملی کارگران اند که با دولت رابطه ی بسیار نزدیکی دارد» ولی ما عضو آن نیستیم. با این حال در مبارزه آنها برای افزایش بودجهء آموزش و پرورش شرکت می کنیم.

برای مثال در راه پیمائی ۲۷ سپتامبر که سندیکای ما آنرا فراخوانده بود سازمان هائی شرکت کردند که عضو «کنگرهء کار»، «کنفدراسیون کارگران مکزیک» و «اتحادیهء ملی کارگران» هستند و یا یک گروه دیگر از سندیکاهائی با گرایشات مختلف.

در سطح بین المللی با همین شرایط وارد ائتلافاتی می شویم. ما عضو «فدراسیون بین المللی سندیکاها» هستیم و در «اتحادیهء بین المللی سندیکاها» مسؤلیت داریم. و در هر کجا که همبستگی ما لازم باشد شرکت می کنیم. ما در عین حالی که اهداف خود را حفظ می کنیم، با هر تشکل دیگری که بتواند خواسته های مشخصی را بیان کند حاضریم ائتلاف کنیم.

مبارزه فعلی ما علیه خصوصی سازی، در رابطه است با مبارزه علیه خصوصی سازی در فرانسه^(۲) در حالی که دو تشکل کارگری از دو کمیتهء هماهنگی مختلف هستیم. همایش هفتهء گذشته برای ما شرایطی به وجود آورد که از حمایت سازمان های دیگری که هم خط ما نیستند، برخوردار شویم.

این بود، به اختصار، تاریخچهء سندیکا و فعالیت های ما. گمان می کنیم که تکلیف طرح خصوصی سازی می تواند با توجه به برنامهء کار مجلس سنا در هفته های آینده تعیین شود. اما تجربهء ما گویای این است که «خصوصی سازان» کارشان لنگ نمی ماند. آنها به همین سادگی تسلیم نمی شوند، حوصله دارند، پافشاری می کنند. تجربه ما را و ما را دارد که سرپا بمانیم و در مبارزه فعال باشیم. و با تمام وجود کوشش کنیم تا ائتلافات بزرگتری را در داخل و خارج از کشور، به وجود بیاوریم. این وضعیت امروز ماست.

(۲) شرکت برق و گاز فرانسه در آمریکای لاتین سرمایه گذاری های بزرگ دارد.

سؤال: جنبش سندیکائی در بطن خود جنبش یک دستی نیست. می دانیم که برخی از سندیکاها در پروسه خود به همکاران دولت بدل می شوند. شما برای حفظ استقلال مبارزه سندیکائی خود چگونه گام برداشتید؟

رامون پچه کو: در درجه اول احترامی که نسبت به گذشته در قلبمان داریم. مردم تاریخ سندیکای ما را می دانند. بنا بر این، کارگران با افتخار از رهبرانشان که در سال ۱۹۱۶ برای اهدافی مردمی از جان خود مایه گذاشتند، یاد می کنند. همان طوری که قبلاً گفتم، این موضوع از نسلی به نسل دیگر انتقال یافته است به طوری که انتخابات که در بین ما به شیوه ای بسیار باز و دمکراتیک انجام می پذیرد، به نفع رهبری که به دولت گرایش داشته باشد تمام نخواهند شد. کارگران می دانند که در لحظاتی هم باید مذاکره کرد، می پذیرند که باید به توافقی رسید، و مکرر می گوئیم که می دانیم چگونه باید مذاکره کرد. نشانه این امر، دست یابی به قرارداد دسته جمعی ست. مردم نیز ما را کنترل می کنند که از حد مذاکره فراتر نرویم و این که هیچ رهبر سندیکایی در خدمت هیچ دولتی قرار نگیرد. این سنتی ست همچنان زنده.

سؤال: می دانیم که یکی از مهمترین سیاست های نئولیبرالیسم، خصوصی سازی ست. نیز می دانیم که یکی از محورهای مبارزاتی سندیکای کارگران برق، مبارزه علیه این سیاست است. می توانید بگوئید که از نظر شما تأثیر خصوصی سازی بر طبقه کارگر چیست؟ از چه زمانی خصوصی سازی در مکزیک آغاز شده و شامل چه صنایعی می شود؟ از چه زمانی خصوصی سازی صنعت برق در مکزیک در دستور کار قرار گرفته است؟ و آیا تغییر رئیس جمهور و یا دولت، تغییری در طرح های خصوصی سازی به وجود خواهد آورد؟

رامون پچه کو: خصوصی سازی در سال های هشتاد در مکزیک آغاز شد. تئوری دولت این بود که باید دولت را «لاغر» کرد. مردم نیازهای بسیاری دارند و دولت دارای تعداد زیادی شرکت است. لذا باید این شرکت ها به فروش برسند تا نیازهای مردم رفع شود، ولی با گذشت بیست سال از این تئوری نئولیبرالی، دولت بیش از هزار شرکت را به فروش رسانده است، شرکتی باقی نمانده. تنها برایش برق و نفت باقی مانده است. ولی مردم نیازشان بسیار بیشتر از بیست سال پیش است. ارزش واقعی دستمزدها افت کرده، امنیت اجتماعی کم شده، دستاوردها کاهش یافته، بیکاری رشد کرده، ۶۰ الی ۷۰٪ مکزیک ها دچار فقرند. بنا بر این می توان نتیجه گرفت که منافع حاصله از فروش شرکت ها به مردم نرسیده است. باید از انرژی الکتریکی، به عنوان آخرین ذره باقی مانده از استقلال ملی، دفاع کرد.

در مورد صنعت برق: در ۱۹۹۲ قانون خدمات عمومی انرژی الکتریکی تغییر یافت تا سرمایه های خصوصی بتوانند در آن شرکت کنند. این عمل به عنوان پیش درآمد «قرارداد تجارت آزاد» (NAFTA، یعنی قرارداد تجاری بین ایالات متحده، کانادا و مکزیک) انجام پذیرفت. ضررهائی که اقتصاد ملی متحمل شد آنقدر روشن هستند که امروزه دولت مدعی است قادر به تأمین برق کشور نمی باشد و کوشش می کند سرمایه دارانی که همین حالا هم ۳۰٪ صنعت برق را در اختیار خود دارند، بتوانند همه این صنعت را در اختیار بگیرند. این بحث بزرگی ست که امروز درگیر آنیم و ما دیگر نمی توانیم چشممان را فقط روی تجربه های بین المللی ای مثل آرژانتین بگشائیم، بلکه همچنین باید به تاریخ کشور خودمان رجوع کنیم. زیرا در سال ۱۹۶۰، صاحبان صنعت برق خارجیان بودند. سندیکای ما که از قبل وجود داشت، به رئیس جمهوری که این صنعت را ملی کرد کمک رساند. برای این که وی فهمید برق بخشی استراتژیک و یکی از عوامل توسعه کشور است. این تصمیمی تاریخی و معتبر بود و از آن هنوز هم دفاع خواهیم کرد، زیرا چهل سال بعد از آن نمی توانند تاریخ جهان را عوض کنند.

سؤال: بازگردیم به خصوصی سازی. این صنایع به چه کسانی واگذار می شوند؟ آنها حتماً نام و نام خانوادگی دارند؟ می خواهم سؤال قبلی را تکرار کنم که تأثیر خصوصی سازی روی زندگی طبقه کارگر چیست؟ و در این مورد خاص کارگران صنایع برق؟

رامون پچه کو: مجموعه تجربه آمریکای لاتین که در همین همایش هفته پیش هم خود را مجدداً نشان داد، از دست رفتن ۴۰٪ تا ۵۰٪ شغل برای کارگران بود. یعنی ۴۰ تا ۵۰٪ کارگران کار خود را از دست می دهند. زیرا شرکت ها می آیند تا حد اکثر سود را ببرند و اولین تصمیمشان کم کردن تعداد کارگران است. تأثیر آن چیست؟ برای مثال رسیدگی پیش گیرانه ماشین آلات حذف می شود، بخش ساختمان مراکز جدید منحل می شود، مدرنیزه کردن اکیپ پخش لغو میگردد و تمام نیرو روی دریافت پول برق از مردم متمرکز می شود. تجربه کشورهایائی که در آنها خصوصی سازی عملی شده این بوده که برای مثال در پرو و آرژانتین ۵۷٪ از مشاغل از بین رفته است.

این شرکت ها همان طوری که می گوئید نام و نام خانوادگی دارند، در مکزیک همان شرکت هائی هستند که در شیلی، همان هائی هستند که در آرژانتین اند و همان هائی هستند که در سراسر جهان فعال اند. آلستروم (فرانسوی-آلمانی)، آلدنیوآ (اسپانیایی)، میشوآگوا (ژاپنی-سوئیسی)، ترانس آلتا (کانادایی) و بلدرولا (اسپانیا)، میتسو بیشی (ژاپن)، اینترژن و انرون (آمریکائی)، فرانس الکتریسیته (فرانسه)، اونیون فنوسا و... این شرکت ها در بین خودشان هم گروه بندی شده اند. آنها در بین خودشان هم شرکت هائی به وجود می آورند تا هرچه بزرگتر و قوی تر بشوند. یکی از دلایلی که دولت برای خصوصی کردن می آورد این است که رقابت سودآور است و انحصارات دولتی ضرر می دهند. نقشه شرکت های چند ملیتی نشان می دهد که بیشتر از پنج شرکت بزرگ در سراسر جهان وجود ندارد. از همین رو دلیلی که دولت می آورد قابل قبول نیست. خصوصی سازی تنها به معنی در آوردن این بخش استراتژیکی از دست دولت و واگذاری آن به دست این شرکت های چند ملیتی ست.

سؤال: اگر فوکس عوض بشود و یک رئیس جمهور دیگر سرکار بیاید، چه تغییری در این طرح ها روی خواهد

داد؟

رامون پچه کو: هیچ! رئیس جمهورها در مکزیک و در آمریکای لاتین به این دلایل عوض نمی شوند. زیرا طرح های توسعه از طرف صندوق بین المللی پول دیکته می شوند. مردم رأی می دهند، در سال ۲۰۰۰ آراء انتخاباتی در مکزیک علیه PRI (حزب انقلاب اداری شده) بود، ولی این رئیس جمهوری که آمد، فوراً با فشار بانک جهانی و صندوق بین المللی پول مواجه شد. این جا یک مثال دارم: فوکس در مبارزه انتخاباتی اش، زمانی که کاندیدا بود، می گفت: «رئیس جمهور (منظورش رئیس جمهور قبلی مکزیک زدیو است) آنقدر خواهان فروش ایده خصوصی سازی به مردم است که، دست به یک حمله مطبوعاتی می زند مبنی بر این که به زودی ما دیگر انرژی الکتریکی نخواهیم داشت. من نمی توانم رد کنم که خود دولت باعث خاموشی و رفتن برق نیست». این ها را کاندیدای ریاست جمهوری، ویسنته فوکس در سال ۱۹۹۹ گفته است. در سال ۲۰۰۲ همان رئیس جمهوری می گوید که «اگر نخواهیم خاموشی داشته باشیم، باید صنعت برق را خصوصی کنیم». بنا بر این تنها حزبی که تا به حال خود را با عقایدی ملی گرا نشان داده است و به جنبش علیه خصوصی سازی خیلی کمک رسانده، PRD (حزب انقلاب دمکراتیک) است. اما تجربه به ما می آموزد که باید حواسمان جمع باشد. به هر حال بین آن هائی که علیه دولت مبارزه می کنند در به زیر آوردن PAN (حزب عمل ملی) از قدرت، توافق دارند. PAN حزب صاحبان شرکت ها ست. حزبی که بیشتر از آنها به خاطر توان خودش به قدرت رسیده باشد، به این دلیل به قدرت رسید که مردم از PRI خسته شده بودند. ولی آنها نه از استقلال، نه از قانون

اساسی و نه از نیازهای مردم چیزی نمی فهمند. آنها گمان می کنند که کشور مانند یک کارخانه است و ایشان صاحب اختیار آن اند. بنا بر این امیدوارم که مبارزه جاری علیه خصوصی سازی بتواند سیاست های PAN را افشا و طرد کند. ما رفقای کارگر و متحدین مان را فراخوانده ایم تا حتی یک رأی هم به PAN ندهند.

سؤال: چه سندیکاهایی به همایش هفته پیش آمدند، از چه کشورهایی بودند و چرا و حاصل کار این همایش چه بود؟

رامون پچه کو: سندیکاها از آرژانتین، برزیل، کانادا، شیلی، اکوادور، پرو، کستاریکا و اروگوئه. ایده این همایش از آنجا نشأت گرفت که در مکزیک، مدام از طرف دولت گفته می شود که تنها کشوری که در قاره آمریکا برق را خصوصی نکرده مکزیک است، خصوصی سازی الزامی ست. ما آخرین کشوری هستیم که هنوز خصوصی نکرده ایم. آنها وانمود می کنند که مدل خصوصی سازی دستاورد است. ما از رفقایمان از کشورهایی که در آن پروسه خصوصی سازی به اتمام رسیده و از کشورهایی که خصوصی سازی را رد کرده اند، مانند کستاریکا، اکوادور و در حال حاضر پرو دعوت کردیم تا از تجربیاتشان مطلع گردیم؛ تا سناتورها، نمایندگان مجلس و تحلیل گران روزنامه ها بتوانند به آن رجوع کنند و ببینند که خصوصی سازی چه بر سر مردم آمریکای لاتین آورده. تا مطلب را فقط از زبان سندیکای برقکاران مکزیک نشنوند. چون دیگر نظر ما را می دانند. ولی حرف فعالین دیگر را بشنوند. از این نظر نتیجه کار بسیار عالی بوده است. زیرا تأثیری که خصوصی سازی روی جامعه و روی زندگی کارگران گذاشته به وضوح دیده می شود. بیانیه پایانی همایش شاهدهی ست بین المللی. تجربه این کشورها در کتابی منتشر خواهد شد. و آنها را به دست تمام نمایندگان مجلس و سناتورها و روزنامه نگاران خواهیم رساند.

سؤال: می دانیم که سندیکای برقکاران مکزیک به جنبش زاپاتیستی یاری می رساند. این جنبش البته جنبش کارگری نیست، چرا شما از آن حمایت می کنید؟

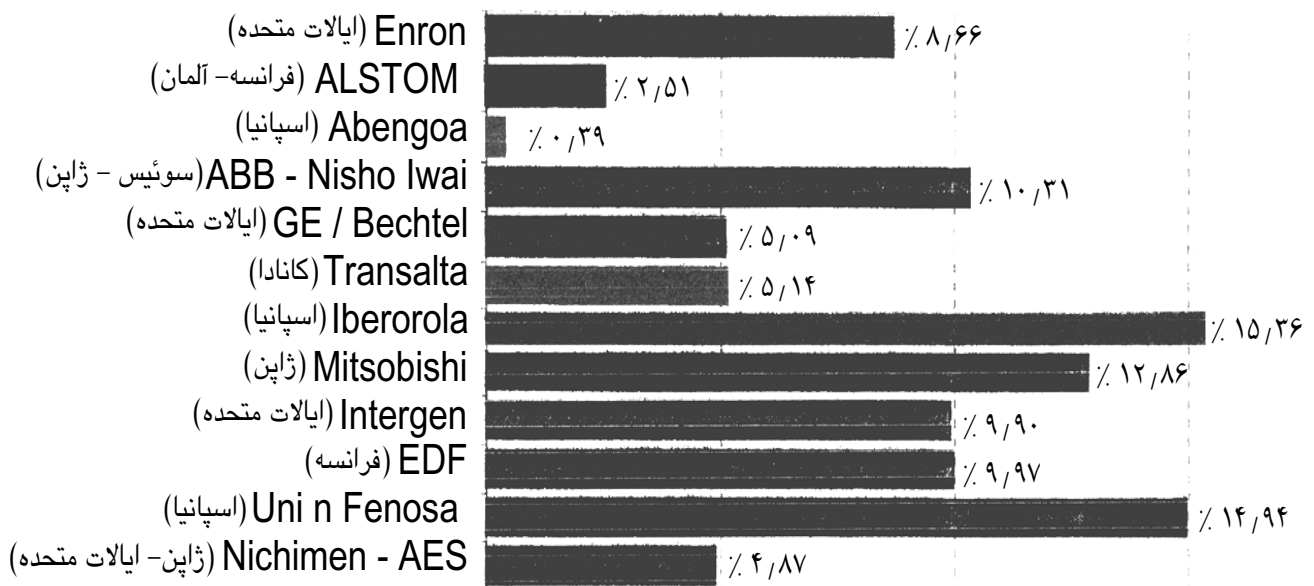
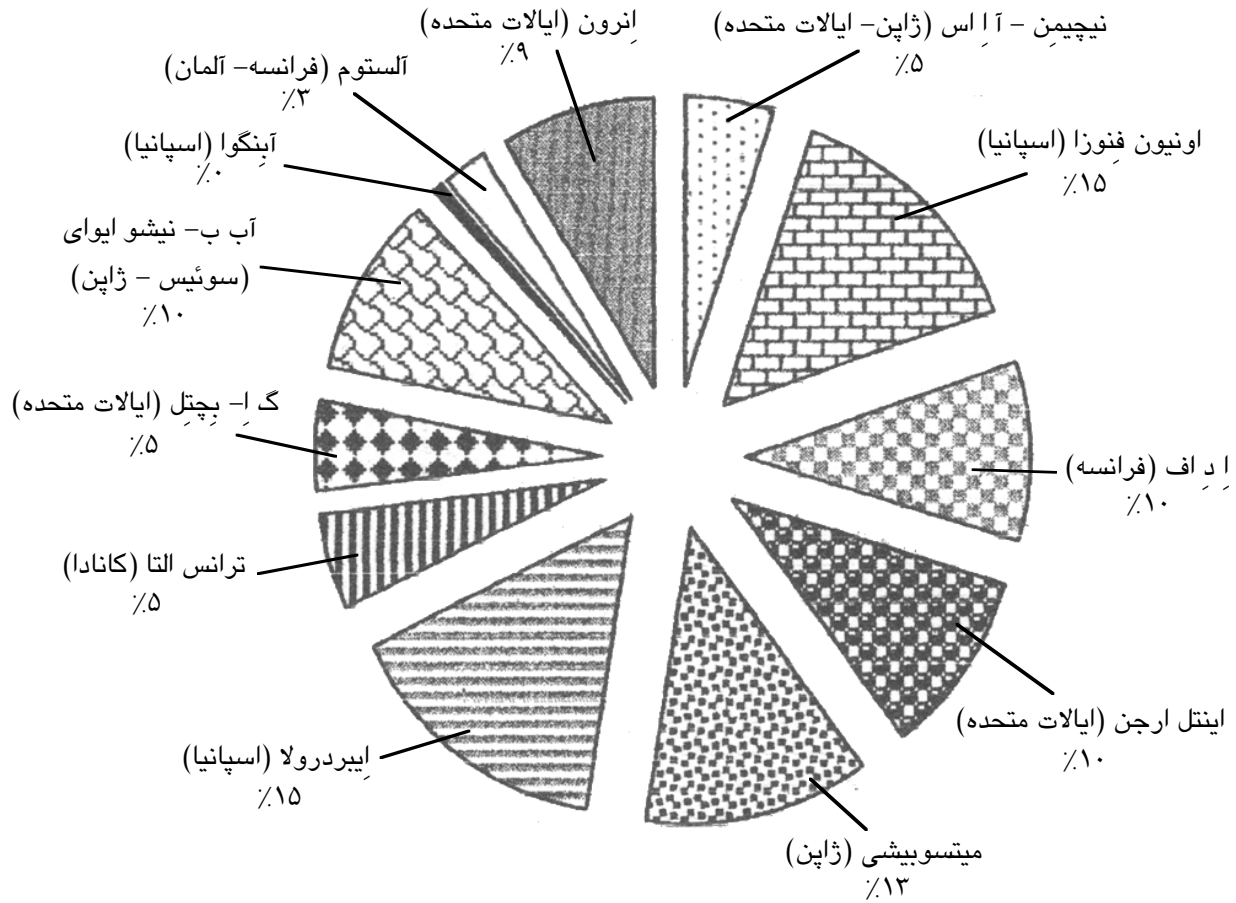
رامون پچه کو: سندیکا دارای سنتی دمکراتیک و ملی ست. مبارزه زاپاتیستی کاملاً با پرنسپ های سندیکای ما همخوانی دارد زیرا مبارزه ای ست علیه سوء استفاده از قدرت، که با مقاومتی قهرمانانه که از مدت ها پیش آغاز شده در خدمت به محرومین کشورمان است. بنا بر این اصلاً عجیب نیست که بین کارگران همبستگی زیادی نسبت به ارتش زاپاتیستی وجود داشته باشد. از آن جایی که آنچه دولت می گوید برای ما اهمیتی ندارد، هر گاه امکان آن باشد، رفقای سندیکا برای کمک به برق کشی در روستاهای مناطق زاپاتیستی می شتابند. و وقتی آن ها در راه پیمائی شان به این جا آمدند و به آنها اجازه داده نمی شد که در پارلمان حرف بزنند، سندیکای ما علناً در دفاع از زاپاتیست ها موضع گرفت. و زاپاتیست ها هم در مبارزه علیه خصوصی سازی به ما یاری رساندند. شعار آنها که می گوید: «میهن به فروش نمی رسد، از میهن دفاع می کنیم» شعار ما هم هست.

از شما بسیار سپاسگزارم.

مصاحبه کننده و مترجم: بهرام قدیمی

ضمیمه

سهم شرکت‌ها از کل انرژی الکتریکی تولید شده توسط بخش خصوصی در جهان



منبع : سندیکای برقکاران مکزیک